

پیش‌گفتار

شناخت را می‌توان روند به‌کارگیری و سازماندهی اطلاعات، از جمله توجه، دریافت اطلاعات، حافظه، ادراک و یادگیری، در نظر گرفت. تمامی فرایندهای تفکر، از نوع خودآگاه و ناخودآگاه، در عرصه شناخت قرار دارند. این فرایندها با دستکاری اطلاعات موجود در حافظه یا نوسازی آنها و با استفاده از اطلاعات ذخیره‌شده تشکیل می‌شوند. به این ترتیب، ذهن را می‌توان یک پردازشگر اطلاعات در نظر گرفت که دائم در حال افزایش مجموعه دانسته‌ها و همچنین تغییر در رفتار آدمی است. بنابراین، مطالعه شناخت انسان، از جهتی، به منزله مطالعه پردازش اطلاعات است. اما:

- ماهیت فرایندهای تفکر چیست؟

- این فرایندها چگونه دستکاری می‌شوند؟

- چه مقدار اطلاعات می‌تواند در آن واحد فعال باشد؟

محققان شناختی درصددند به این پرسش‌ها پاسخ دهند و در نهایت، پرده از اسرار رفتار انسان بردارند. مطالعه شناخت انسان ابعاد متعددی دارد و محققان رشته‌های گوناگون علوم، همچون روان‌شناسی، فلسفه، زبان‌شناسی، هوش مصنوعی، آموزش و پرورش، انسان‌شناسی، و اعصاب‌شناختی، به درک ما از ماهیت ذهن کمک کرده‌اند. بسیاری از محققان شناختی به صورت میان‌رشته‌ای کار می‌کنند و هم‌زمان در چندین زمینه، فعالیت دارند و اطلاعات به‌دست آمده را با یکدیگر ادغام می‌کنند.

در اواسط قرن بیستم، مجموعه‌ای از اتفاقات سبب شکل‌گیری رویکرد مدرن مطالعه شناخت انسان شد که می‌توان آن را انقلاب شناختی نامید. در نیمه اول قرن بیستم، روان‌شناسی تجربی در امریکای شمالی تحت سلطه رفتار‌گرایان بود که به کلی توضیحات ذهن‌گرایانه رفتار را مردود می‌دانستند، اصطلاحاتی چون باور داشتن و آرزو کردن غیرعلمی و زائد محسوب می‌شدند و در واژگان علمی جایگاهی نداشتند.

رفتار‌گرایی شامل مکاتب مختلفی همچون رفتار‌گرایی نظری و رفتار‌گرایی روش‌شناسانه^۱ است. در رفتار‌گرایی روش‌شناسانه، اساساً وجود ساختارهای ذهنی رد نمی‌شود، ولی استدلال

می‌شود که علم روان‌شناسی نباید شامل چنین مفاهیم غیرملموسی باشد. به هر حال، در اواسط قرن بیستم، بسیاری از روان‌شناسان به تدریج به این نتیجه رسیدند که محدود کردن علم روان‌شناسی به رفتارشناسی، برای توصیف یادگیری، پردازش‌های حل مسائل، استدلال، و تصمیم‌گیری در انسان، ناکافی است. ژان پیاژه^۱، روان‌شناس سوئیسی، عقیده داشت که عوامل بیولوژیک سازمان‌دهنی انسان را شکل می‌دهند و ویگوتسکی^۲، روان‌شناس روسی، در شکل‌گیری سازمان‌دهنی انسان، بر عوامل فرهنگی-اجتماعی تأکید داشت. انقلاب شناختی از علوم به جز دانش روان‌شناسی نیز بهره‌مند شده است. در این زمینه، نوام چامسکی^۳ زبان‌شناس و همچنین دانشمندان مختلف هوش مصنوعی سهم مؤثری داشته‌اند و روان‌شناسان شناختی، با تجهیز خود به نظریه‌های پردازش اطلاعات، کاوش در اسرار ذهن را آغاز کردند. در دو سه دهه اخیر، اختراع وسایل تشخیصی جدید (به خصوص FMRI و Scan PET و ERPs) تحولی بنیادین و نویددهنده در تحقیقات شناختی به وجود آورده‌اند.

در حال حاضر، پژوهش در حیطه‌های مختلف علوم شناختی، از جمله توجه، ادراک، تکلم، خواندن، حافظه، دریافت، حل مسائل، استدلال، و همچنین فراشناخت، مورد توجه و مدنظر است. دستاوردهای این پژوهش‌ها قطعاً، در آینده‌ای نزدیک، هیجان‌انگیز خواهد بود.

-
1. Jean Piaget
 2. Vygotsky
 3. Noam Chomsky